



قسمت چهاردهم

اخلاق و تربیت اسلامی

امر به معروف و نهی از منکر

(۴)

حجة الاسلام محمد حسن رحیمیان

خودسازی نافذترین دعوت

در مقام عمل به فریضة امر به معروف و نهی از منکر و تحقق بخشیدن به مصلحت آن قبل از هر چیز روی کردار و رفتار شخصی انسان مؤمن به عنوان یک الگو و اسوه حساب شده است و در حقیقت همین تحقق و تجسم عینی فضائل و کارهای معروف و شایسته در یک فرد یا یک جامعه است که نافذترین تاثیر را در دیگران میتواند داشته باشد و آنگاه که یک انسان یا جامعه ای که خود مجسمه تقوی و نیکبها است با زبان نیز امر به معروف و نهی از منکر می کند و یا موعظه مینماید کاملترین اثر را در پی خواهد داشت و برعکس کسی که خود به معروف آراسته نیست و آلوده به منکر است با بهترین زبان و شیرین ترین بیان هم که امر به معروف و نهی از منکر کند نتیجه آن صفر است و چه بسا اثر معکوس نیز دارد.

در مورد اول از امام صادق علیه السلام چنین نقل شده است:

«كُونُوا دُعَاةَ لِلنَّاسِ بِغَيْرِ السِّيْتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْوَزْعَ وَالْإِحْتِهَادَ وَالصَّلٰوةَ وَالْحَيْرِيَانَ ذَالِكِ دَاعِيَةٌ» (کافی ج ۷۸/۲)

مردم را دعوت بحق کنید لکن با غیر زیانهایتان تا ورع، کوشش، نماز و خوبی را از شما ببینند. همانا این است دعوت

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام چنین فرموده است:

«وَأَنْهَوْا غَيْرَكُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَأَهُؤُوا عَنْهُ فَإِنَّمَا أَمْرُنَا بِالنَّهْيِ بَعْدَ

التَّاهِي» (از خطبه ۱۰۴ نهج البلاغه)

دیگران را از منکر نهی کنید و خود مرتکب آن نشوید زیرا شما مأمور شده اید به نهی بعد از آنکه خود منکر را بجا نیاورید.

و در مورد گروه دوم از آنحضرت چنین منقول است:

«لَعَنَ اللهُ الْأَمِيرِينَ بِالْمَعْرُوفِ النَّارِكِينَ لَهُ وَالنَّاهِينَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْعَامِلِينَ بِهِ» (خطبه ۱۲۹- نهج البلاغه)

خداوند لعنت فرموده است امرکنندگان به معروف را که خود تارک معروف هستند و نهی کنندگان منکر را که خود عمل کننده به منکر می باشند.

صاحب جواهرالکلام که از بزرگترین فقههای اسلام است در این رابطه چنین گفته است: از بزرگترین! و بالاترین! و محکمترین و مؤثرترین! مصادیق امر به معروف و نهی از منکر بویژه در مورد رهبران دینی - که مورد نظر مردم هستند - آن است که انسان خود، جامعه نیکو را پوشیده و در کارهای خیر چه واجب و چه مستحب پیشقدم بوده و جامعه زشتکاری را از اندام خویش برکنده و نفس خود را به کرامت و ارزشهای متعالی اخلاق کمال بخشد و آنرا از خصیلتهای ناپسند منزه نماید و بدینگونه است که انگیزه و سبب مؤثر و کاملی برای عمل به معروف و دور شدن از منکر در مردم بوجود می آید.

جامعه الگو

قرآن مجید دربارهٔ ویژگیهای «امت» اسلام در یک جا میفرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ» اخراجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر» (آل عمران/۱۱۰) شما بهترین «امت»ی هستید که بر مردم نمودار شدید چرا که شما امر به معروف و نهی از منکر مینمائید.

و در آیه ای دیگر اینگونه میفرماید:

«وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ «أُمَّةً» وَتَسْطًا لِيَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرُّسُولُ عَلَيْكُمْ شُهَدَاءَ» (بقره/۱۴۳)

و بدینگونه شما را «امت»ی معتدل قرار دادیم که بر مردم گواه باشید و پیغمبر بر شما گواه.

پس این امت، امتی است که پیغمبر خدا بر آنها گواه است و آنها بر مردم گواهند و نمودار شده اند بر مردم که امر به معروف و نهی از منکر کنند. یعنی جامعه اسلامی با کردار و رفتار و مجموعه آثار و نمودارهای زندگی اش باید الگو باشد برای دیگران همانگونه که پیغمبر اکرم الگو و سرمشق جامعه اسلامی است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» (احزاب/۲۱) همانا پیغمبر خدا برای شما، مقتدا و الگویی نیکو است.

اخلاق پیغمبر، مؤثرترین عامل دعوت

و پیغمبر اکرم (ص) به عنوان بزرگترین پیغمبر خدا و کاملترین انسان و پایه گذار امر به معروف و نهی از منکر و اولین مجری این فریضة بزرگ الهی و عظیم ترین مربی و معلم بشریت، خود تجسم راستین و نمونه کامل فضائل اخلاقی و عمل به خوبها بوده و بزرگترین مشخصه و امتیازی که از آنحضرت در قرآن ذکر شده است اخلاقی او است: «وَأَنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ»

(قلم/۱) همانا تودارای خلقی عظیم هستی. چرا که پیغمبر اکرم برای تزکیه و تهذیب و تربیت مردم مبعوث شده و خود باید در بالاترین حد کمال و تزکیه و تربیت الهی قرار داشته باشد و شاید بهمین جهت باشد که می بینیم با آن که پیغمبر اکرم (ص) بی گمان در تمام جهات معنوی سرآمد تمام ممکنات است و همه ویژگیهایش در اوج کمال است، انگشت روی اخلاق پیغمبر گذاشته شده و در میان تمام برجستگیهای حضرتش قرآن این ویژگی را به بزرگی و عظمت بساد فرموده است در حقیقت قبل از آن که گفتار مری در دیگران تأثیری داشته باشد این اخلاق و رفتار اوست که دارای نافذترین نقش سازنده بوده و به عنوان سرمشق و الگوی واقعی موجب نسیه، تأثر و تربیت دیگران میشود.

مروری در سیره و تاریخ زندگی پیغمبر، بخوبی روشنگر آن است که اخلاق و مکارم اخلاقی آنحضرت مهمترین نقش را در منقلب کردن دیگران و جذب آنان به اسلام و راه خدا داشته است و قرآن نیز این نکته را بدینگونه بیان فرموده است:

«فَمَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَئِنَّ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَا نَقُصُّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران/۱۵۹)

در پرتو رحمت خدا است که با آنها نرمخو و مهربان شعی و با اگر تندخو و سخت دل بودی به یقین مردم از گرد تو می پاشیدند.

پس نرمخویی و حسن اخلاق ضمن آن که نموداری از رحمت خدا است عامل عمده موفقیت در هدایت مردم و گرایش آنان به سوی حق و اجتماع حول محور اسلام است و تندخویی و سخت دلی علت پراکندگی و شکست!

باتوجه بهمین واقعیت است که برای تربیت اخلاقی و تحقق بخشیدن به فضائل یعنی امور معروف و محو نمودن رذائل یعنی منکرات است مری و راهنمایی که خود تربیت یافته و پیشناز باشد دارای نقش اصلی است.

قطع این مرحله بی هم‌رهمی خضر ممکن

ظلمات است پترس از خطر گمراهی و شاید یکی از دلائل مهم برای قلت و کمبود کتابها و تألیفات در زمینه علم اخلاق، نسبت به اهمیت فوق العاده آن، در همین نکته نهفته است که به تنهایی خواندن مطالب و کتابهای اخلاقی و حتی فهمیدن آن عموماً کارساز و مفید نبوده و این مری و مرشد است که خود تجسم و تجلی محاسن و مکارم اخلاقی است و با کردار و رفتار حکیمانه و آکنده از فضیلت و تقوای خویش و نه فقط با سخن و کلام انسانها را تربیت و از بدیها بازگردانده و به سوی خوبیها سوق میدهد.

بنابراین مهمترین رکن امر به معروف و نهی از منکر آن است که انسان در اولین گام خود را به تمام فضائل و کارهای خیر آراسته و از همه رذائل و کارهای ناشایسته منزه دارد. علی علیه السلام میفرماید:

«مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِنَاسٍ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِشَيْرِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِسَائِرِهِ...» (نهج البلاغه- کلمات قصار)

کسی که میخواهد مردم را رهبری کرده و براهی دعوت نماید باید قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خویش بپردازد و پیش از آنکه مردم را با زبان خود تربیت کند باید با کردار و رفتار شایسته خود آنها را تربیت نماید.

و بدین ترتیب با یک نیر دو نشانه رفته است هم خویشی را تربیت کرده و هم بهترین روش را برای جامعه بکار گرفته و مردم را با عمل خویش به خویشا دعوت و از بدیها نهی کرده است و مناسبترین زمینه را نیز برای تأثیر و نفوذ کلام و امرونی زبانی خویش فراهم کرده است.

حکومت مهمترین وسیله

بدیهی است باتوجه به نقش حیاتی و ابعاد گسترده و عمیق امر به معروف و نهی از منکر که به گوشه‌ای از آن اشاره رفت اقدام فردی فقط بخشی از آن اهداف را جامه عمل می پوشاند و تحقق بخشیدن به صد درصد مصلحت این فریضه بزرگ بدون عمل اجتماعی و تشکیل حکومت اسلامی میسر نیست در این مرحله نیز در گام اول یک جامعه و نظام اسلامی که عناصر و اجزاء آن همان فرد فرد مسلمانان هستند و همگی چشم و گوش و عوامل اجراء آن نظام می باشند به اصلاح بنیادی جامعه خود می پردازند چرا که بسیاری از مفاسد و منکرات هست که جز در چهار چوب یک نظام و اجرای همه جانبه دستورالعملهای آن امکان پذیر نیست و این نظام و حکومت اسلامی است که قوانین اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... را براساس مسائل اعتقادی و فرهنگی صحیح به اجراء گذارده و در پرتو آن ریشه فسادهای مخفی و آشکارا می سوزاند مثلاً برای جلوگیری و نهی از منکرات و فحشاهای جنسی و هرزه گهای مربوط به آن تنها نه نصیحت و پند کارساز است نه شلاق و زندان بلکه اگر برخورد ریشه ای با آنها نشود چه بسا نتیجه معکوس داشته و فساد را زیرزمینی و خطر آن را افزون تر کند لذا این نظام اسلامی است که با سیاست فرهنگی و اقتصادی حساب شده خود برنامه ازدواج را که از مهمترین مسائلی است که اسلام روی آن تکیه کرده است در اولین سنین مناسب برای جوانان امکان پذیر می کند و مشکلات و موانع گوناگونی که سد این راه است در چهار چوب برنامه های فرهنگی، اقتصادی، شغلی، تأمین مسکن و... برطرف مینماید تا همراه با تقویت نیروی ایمان و معنویت و در کنار اشتغال به کار و تولید و تقویت نجات سالم دیگر جانی برای فسادهای جنسی و لوازم اسف بار آن نماند و...

لذاست که اسلام تشکیل حکومت و برقراری یک سیستم همه جانبه حکومتی به عنوان مهمترین وسیله و ابزار برای تحقق بخشیدن به اهداف والای معنوی خود که همانا ریشه کن ساختن رذائل و گناهان و صلاح و تکامل اخلاقی و معنوی انسانها در پرتو پرستش و عبودیت حق است، ضروری و واجب دانسته است که بررسی دلائل و شواهد فراوان در متون اسلامی و تاریخ قیامها و مبارزات بی امان پیغمبر اکرم و ائمه اطهار در رابطه با تشکیل حکومت اسلامی و اهداف آن از این مقال خارج است و اجمالاً اگر هیچ دلیل دیگری برای وجوب تشکیل حکومت اسلامی جز تحقق بخشیدن به مصلحت و هدف امر به معروف و نهی از منکر وجود نداشت این خود برای اثبات این مطلب کافی بود و با شکل گرفتن یک جامعه و نظام کاملاً اسلامی است که راه برای گامهای بلندتر در جهت اجراء امر به معروف و نهی از منکر در سطح گسترده تر و دیگر مجامع بشری باز میشود و این جامعه گذشته از این که به عنوان یک الگوی



می دهد که در مورد پدر و مادر از آنان لغزشی سرمی زند و توبه می کنند. «ربکم اعلم بما فی نفوسکم ان تکنوا صالحین فانه کان للواوین غفورا». پروردگار شما به باطن شما آگاهتر است اگر صالح و شایسته باشید و توبه کنید خداوند توبه کنندگان را می آمرزد. گرچه این آیه مطلق است و اختصاصی به روابط والدین و فرزند ندارد ولی وضع آیه در پی آیات قبل نشانگر ارتباط آن با مطلب فوق است و چون ممکن است در دوران پیری و کهولت ابویں در برخورد فرزند سوء ادبی دیده شود یا اندکی در رعایت حال آنان کوتاهی کند خداوند می فرماید اگر از این کرده پشیمان شوید و در باطن صالح و شایسته باشید خداوند که از درون شما از خودتان آگاهتر است و آن را می داند توبه شما را می پذیرد.

«ربنا اغفر لنا ولوالدینا انک سمع الدعاء»

ادامه دارد

آن زمانی که به آنان و تربیت آنان نیازمند بودی و آنها با کمال شوق و شغف از تو پذیرائی کردند تا بتوانی بر پای خود بایستی و مستقل باشی. اکنون که آنان محتاج توشه اند برآنان شفقت داشته باش و از خداوند نیز درخواست رحمت برای آنان کن. گفته شده است این آیه دلیل است که یکی از مظان استجاب دعا همین مورد است که فرزند برای پدر و مادر طلب آموزش و رحمت کند و بهر حال دعا و نیایش و توجه به خداوند متعال برای انسان مفید و لازم است هر چند مستجاب نشود.

نتیجه خدمت به پدر و مادر

در پایان این دستوره، خداوند مهربان وعده آموزش به کسانی

بقیه از امر معروف و نهی از منکر

۳- مهمترین پشتوانه و وسیله هدایت مردم و گسترش و برقراری معروف و غیر در جامعه و برچیده شدن فساد و تباهی از آن بود و عامل مهمی است برای پیوند مثبت و سازنده فرد با جامعه و اهتمام بر امور انسانها (وظیفه انسان نسبت به مردم)

لازم به تذکر است که ابعاد فوق الذکریانی است از حقیقت و واقعیتی بگانه یعنی همان عبادت خالصانه حق که در صورت تحقق مطلوب و کامل آن، نتایج مذکور بر آن مترتب میشود و در عین حال تمام ابعاد آن در تربیت اخلاقی و رشد معنوی انسان دارای نقش سازنده ای می باشند. چرا که نفس جنبه عبادی آن همانگونه که در فصول دیگر به آن اشاره گردید، چون موجب تقرب انسان به خداست و میزان تقرب به او با خدائی شدن انسان و تجلی فضائل اخلاقی در او هماهنگ است، این خود مهمترین و اصیل ترین عامل برای تربیت اخلاقی است.

و همچنین در مورد بُعد سوم، از آنجا که انسان برای خدا و در طول ایمان به او خود را نسبت به جامعه مسئول می بیند و از کائنات این عبادت به جامعه پیوند میخورد، خود بخود از تنگنای خودپرستی و خودخواهی که خوی حیوانی است به فضای ملکوتی و رسالت الهی مردم خواهی و هدایت جامعه صعود کرده و خود را در زمره «پیروان» رسول خدا می باید بارسالتی پیغمبرگونه:

«قل هذه سبیلی ادعواالی الله علی بصیرة انا ومن اتبعنی»

(بوسف/۱۰۸)

بگو ای پیامبر! راه من این است. مردم را- از روی بصیرت و آگاهی بسوی خدا می خوانم من و هر که مرا پیروی کرده است.

برجسته و موفق مورد توجه دیگر جوامع تشنه عدالت و فضیلت و سرخورده از نظامهای استکباری و مکاتب بوج و ورشکسته قرار می گیرد خطاب الهی: «و کذالک جعلناکم ائمةً و متطباً لیکونوا شهداء علی الناس» را جامعه عمل پوشانده و مصداق «خیر امه» می شود که رسالت بزرگ «آخرت لیتاس تأمرؤن بالمعروف و تنهون عن المنکر» را در سطح جهانی به انجام میرساند.

و بدینسان اجمالاً معلوم گردید که امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک عبادت بزرگ الهی:

۱- از مهمترین طاعات و وظایف الهی است که خداوند برعهده بندگان خویش قرار داده و باید برای رضای او و تقرب به حضرتش انجام گیرد (وظیفه انسان نسبت به خدا).

۲- از مؤثرترین عوامل خودسازی و تربیت معنوی و اخلاقی است که انسان را نسبت به خوبیها و فضائل گرایش داده و از بدیها و منکرات بیزار کرده و بهترین زمینه را برای آرامش خود به معرفتها و فضائل و زدودن ردائل و منکرات خویش فراهم میسازد و به فرموده حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام: «وَأمر بالمعروف نكُنْ أَهْلَهُ» دیگران را به معروف امر کن تا خود نیز اهل معروف شوی.

و بدینوسیله انسان وظیفه بزرگی که نسبت به تربیت و تکامل معنوی خویش دارد انجام میدهد (وظیفه انسان نسبت به خود)